



the Hollings Center
for international dialogue

خلاصه گفتگو گفتگوی سیاست منطقه ای در مورد چالش های آسیای میانه اکتوبر 2013

آسیای میانه به معنای دقیق کلمه یک منطقه نیست. داد و ستد جمهوری های آسیای میانه بیشتر در سطح جهانی بوده و تعامل جمهوری ها با یکدیگر اندک است. پالیسی های سرحدی و گمرکی این جمهوری ها علیرغم برنامه های مساعدتی بین المللی همچنان ناکارآمد باقی مانده و بخش عمده زیربنای جدید در این منطقه به جای بهبود ارتباط بین دولت ها بیشتر برای خدمت به قلمرو ملی توسعه یافته اند. وضعیت "غیر منطقه ای" آسیای میانه درست در زمانی تداوم می یابد که سیاست گذاران در ایالات متحده و خارج از آن، از این جمهوری ها توقع مشارکت و همکاری در امور کشور همسایه، افغانستان دارند. دیدگاه جاده ابریشم جدید نوید بخش یکپارچگی این منطقه بزرگ است اما با موانع متعددی در سطح بین المللی، ملی و محلی مواجه می باشد.

پویایی بیشتر آسیای میانه منحنی یک منطقه نیازمند کدام نظرات و رویکرد های جدید است؟ چگونه میتوان جمهوری های آسیای میانه را تشویق به ایفای نقش حمایتی بیشتر کرد؟ آیا کارآفرینان و فعالین جامعه مدنی آسیای میانه خواهان یکپارچگی منطقه ای هستند، اگر چنین است، چگونه میتوان به این دیدگاه دست یافت؟

"ما در صدد یکپارچگی از بالا به پایین بوده ایم، اما بهتر است این کار را از پایین به بالا انجام دهیم."

مرکز هولینگز برای پرداختن به این پرسش ها یک گفتگوی سه روزه سیاست منطقه ای تحت عنوان "چالش های منطقه ای آسیای میانه" را در تاریخ 3-6 اکتوبر در استانبول ترکیه برگزار کرد. این گفتگو صاحب نظران، کارآفرینان، اعضای جامعه مدنی، سیاست گذاران، خبرنگاران و فعالین انکشافی را برای بحث در مورد آسیای میانه و چشم انداز یکپارچگی منطقه ای گردهم آورده و فرصتی بی نظیر برای تعامل شهروندان دولت های آسیای میانه با یکدیگر و همتایان بین المللی شان فراهم آورد.

شرکت کنندگان این گفتگو به نتایج ذیل دست یافتند:

- آسیای میانه صرفاً در سطح مفهومی منحنی یک منطقه وجود دارد نه به شکل واقعی. دستیابی به تعامل همکاری و هدفمند نیازمند توجه بیشتر به چالش های مشخص فراروی هر دولت میباشد. این توجه موجب ایجاد فضای مثبت برای یکپارچگی اقتصادی میگردد.
- فعالیت جامعه بین المللی به یک بازی جمع صفر بدل شده و در تضاد با اهداف بیان شده در یکپارچگی منطقه ای می باشد.
- مثال های موفقی از تعامل اقتصادی و انکشاف در سطح خرد و محلی و به طور مشخص در نواحی سرحدی وجود دارد.
- مردم آسیای میانه روحیه کارآفرینی و آمادگی از خود تبارز داده اند، هر چند تکامل فعالیت های اقتصادی کوچک به فعالیت های متوسط و بزرگ نیازمند حمایت می باشد.

- انکشاف سرمایه انسانی در آسیای میانه یک نیاز اساسی بوده و از طریق سرمایه گذاری در آموزش قابل دستیابی است. مساعدت در این زمینه با ارزش ترین سرمایه گذاری دول خارجی است و زمینه رشد جامعه مدنی را فراهم می آورد.
- موانع تجارت در مرزهای آسیای میانه در اشکال فیزیکی و روانی وجود دارد. غلبه بر موانع روانی مخصوصا در مورد افغانستان دشوارتر است.

سابقه منطقه ای

کشورهای آسیای میانه (قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرغیزستان و ازبکستان) دارای خصایص و تاریخ مشترک هستند، دین مشترک همه آنها اسلام است و همگی تحت تسلط امپراطوری و اتحاد شوروی بوده اند. تکوین جمهوری های فعلی آسیای میانه به دوران استالین برمیگردد، وقتی که مرزهای جمهوری های سوسیالیستی شوروی کشیده شده و گروه های جمعیتی به اجبار منتقل شدند. هدف از این کار از هم پاشاندن پیوندهای موجود در منطقه و کاهش مقاومت در برابر اقتدار دولت شوروی بود. در طول این دوره هر یک از جمهوری ها یک اقتصاد دستوری، تحت تسلط یک حزب و وفادار به مسکو بود. پس از انحلال اتحاد شوروی، جمهوری های جدید با چالش های مشابه سیاسی و لیبرالیزم اقتصادی مواجه شدند.

هرچند، در طول 20 سال پس از سقوط اتحاد شوروی، هر یک از این دولت ها به شکل جداگانه هویت های مشخص و جداگانه را در پاسخ به چالش های مشترک پس از شوروی و همچنین مشکلات خاص خودشان، شکل داده اند. وضعیت فعلی بازتاب دوره استالین، پیشگیری از یکپارچگی منطقه ای و تقابل با تلاش ها برای ایجاد روابط میان و بین دولت ها می باشد. موانع یکپارچگی منطقه ای در مورد افغانستان نیز وجود دارد. در نتیجه، آسیای میانه منحیت "منطقه" صرفا در سطح مفهومی وجود دارد. وضعیت موجود در هر یک از این کشورها بیانگر چالش های مشخص فراروی ایجاد یک منطقه واقعی می باشد:

- قزاقستان: یک نقطه درخشان در امکان یکپارچگی اقتصادی و تجارت بین المللی است. رهبری این کشور به شدت به دنبال استراتژی های بلند مدت بازار و سرمایه گذاری بین المللی است. قزاقستان به موافقت های چندجانبه متعددی با دول غیر آسیای میانه پیوسته و یک استراتژی اقتصادی چند محوری را از طریق سازمان تجارت جهانی و عضویت در اتحادیه گمرکی تحت رهبری روسیه دنبال میکند. همکاری قزاقستان با دول آسیای میانه به شکل پراکنده صورت می گیرد. نبود آزادی سیاسی و موجودیت فساد، گذار سیاسی را در این کشور به یک مشکل طولانی بدل کرده است.

- ازبکستان: شرکت کنندگان عامل مشکلات یکپارچگی را دولت ازبکستان دانستند، ساختار این دولت به شکلی است که مانع تعامل منطقه ای میگردد. عملیات های دولتی به شدت متمرکز بوده و حتی کوچکترین فعالیت های اقتصادی برای تجارت باید در سطح وزارت تایید شوند. دولت به همکاری منطقه ای با سوء ظن می نگرد.

- قرغیزستان: از فعال ترین جامعه مدنی برخوردار است و این خصوصیت موجب ناآرامی های مکرر سیاسی از زمان استقلال این کشور شده است. در نتیجه، دولت قرغیزستان نسبتا ضعیف بوده و تغییرات مکرر سیاسی پیشبرد استراتژی بلند مدت اقتصادی را تقریبا غیر ممکن ساخته است. این کشور از جمله فاسدترین کشورهای منطقه می باشد.

- تاجیکستان: پس از 5 سال جنگ داخلی در دهه 90 میلادی، بی ثباتی و قحطی موجب مهاجرت چشمگیر نیروی کار از تاجیکستان به کشورهای مجاور از جمله روسیه شده است. این وضعیت تاجیکستان را شدیداً به درآمد حاصل از کارگران مهاجر منحیت یک منبع سرمایه (بالغ بر 2.1 میلیارد دالر یا 32% دولت ناخالص ملی بر اساس گزارش بانک جهانی) وابسته کرده است. از دید

مثبت، رابطه بین تاجیکستان و افغانستان فرصت های تجاری با جنوب آسیا را برای منابع خام تاجیکستان فراهم کرده است، اما با وجود منابع انسانی فقیر، تجارت محدود خواهد ماند.

- ترکمنستان: بر اساس معلومات بانک جهانی، ترکمنستان از بیشترین میزان رشد در تولید ناخالص ملی در منطقه در سال 2012 (11.1%) برخوردار بوده است. هرچند، این میزان رشد غالباً به ذخایر نفت و گاز ترکمنستان مربوط شده و دولت یک حزبی موجب سطوح بالای فساد و توزیع نامتوازن سرمایه شده است. زیربنای صادراتی همچنان نامناسب بوده و میزان بیکاری همچنان بالاست.

- افغانستان: در حال نزدیک شدن به یک گذار عمده در سال 2014، خروج قوای امریکایی و انتخابات ریاست جمهوری در ماه اپریل است. در نتیجه علائم انقباض اقتصادی به چشم میخورد. تلاش ها برای برقرار کردن روابط تجاری در شمال با آسیای میانه به دلیل ترس از آینده، چالش های زیربنایی و قاچاق مواد مخدر با مانع مواجه شده است. هرچند، مثال های مثبت تجاری نیز وجود داشته و امکان تکامل آنها در ساحات انرژی، زراعت و نساجی وجود دارد.

به نظر یکی از اشتراک کنندگان، از دهه 1990 تا کنون، دولت های آسیای میانه " با توقعات منفی مبارزه کرده و به موفقیت های چشمگیری دست یافته اند". بنابراین ظرفیت برای انکشاف مثبت در سطح وسیع تر وجود دارد. هر چند، موفقیت های بدست آمده، با مجموعه جدیدی از چالش ها مواجه شده اند، همانطور که در ضمیمه پایانی این گزارش ذکر شده است، جمهوری های آسیای میانه باید با چالش های جدیدی در این منطقه مقابله کنند.

مشکلات با استراتژی ها در سطح کلان

مفهوم همگرایی منطقه ای در میان جمهوری های آسیای میانه با مشکلات مهمی مواجه است. یکی از این مشکلات تاریخ و سرحدات بین این کشورهاست. قبل از انقلاب اکتوبر، سرحدات مناطق خودمختار و نواحی ترکمنستان روسی کاملاً متفاوت بود. پایتخت ها متمرکز بوده و تقسیمات اداری بیشتر بازتاب محدوده مشخص قومی بود. در نیمه دهه 1920، شوروی تحت اداره استالین برای پراکنده کردن چالش های بالقوه، مرزهای جدیدی ایجاد کرد. یکی از شرکت کنندگان چنین اشاره کرد: "مرزهای جدید توسط رژیم استالین برای جدا سازی و نیازمند ساختن به رهبری، تجارت و سرمایه انسانی روسیه کشیده شدند. تغییر این مرزها صرفاً یک آرزوست". یکی دیگر از شرکت کنندگان متذکر شد که سفر هوایی بین پایتخت های آسیای میانه به ندرت اتفاق می افتد و غالباً نیازمند سفر به خارج از منطقه از جمله ترانزیت از طریق روسیه می باشد.

مشکل عمده دیگر در سطح کلان، همگرایی منطقه ای در ماهیت متضاد پالیسی های بیان شده و اعمال



تقسیمات اداری ترکمنستان روسیه در سال 1900. مرزهای امروزی با رنگ سبز مشخص شده است. منبع: ویکی پدیا. نویسنده: هیلجریاک (Hylgeriak)

واقعی قدرت های خارجی مثل روسیه، چین و ایالات متحده امریکا است. تمامی این کشورها در سطح عمومی طرفدار یکپارچگی منطقه ای و در هماهنگی با سازمان های بین المللی مثل سازمان تجارت جهانی (تحت رهبری امریکا)، اتحادیه گمرکی (روسیه)، و سازمان همکاری شانگهای (چین) و همچنین سازمان های غیر دولتی، نهادهای انکشافی و دیگر شرکت ها برای ارتقاء یکپارچگی می باشند. اما، اعمال بازیگران بین المللی تأثیر متضاد داشته و موجب ارتقاء منافع شخصی دولت ها در برابر دیدگاه های منطقه ای شده است.

دیدگاه های خارجی آسیای میانه را در نگاه اول، یک زمینه مصنوعی و به سبک اتحادیه اروپا می بیند. در این روش تفاوت های دیرینه و مشکلات میان جمهوری های آسیای میانه، تفاوت هایی که جامعه بین المللی آن را تشدید میکند، تشخیص داده نمیشود. کشورهای غربی از دیرباز سیاست حمایت از حاکمیت هر یک از جمهوری ها از زمان انحلال اتحاد شوروی در سال 1991 را روی دست گرفته است. این سیاست در حمایت از حاکمیت دولت ها موفق بوده است، اما هزینه آن همکاری آسیای میانه بوده است. همکاری باقیمانده در موافقت های محدود دوجانبه بین کشورهای آسیای میانه دیده میشود که بسیاری از آنها غیر واقعی بوده و به شکل نادرست صورت گرفته است. مشخص نیست که آیا سیاست حمایت از حاکمیت و همگرایی منطقه ای میتوانند با یکدیگر در تعادل قرار گیرند.

جدایی بوجود آمده مورد حمایت سازمان های غیردولتی، شرکت های خارجی و نهادهای انکشافی قرار گرفته است که بیشتر به دنبال ایجاد نهادهای دولتی قدرتمند با هر یک از دولت هستند نه چارچوب های بین منطقه ای یا نهادهای اجتماعی که میتوانند در ارتقاء همگرایی منطقه ای موثر باشند. این گروه ها حمایت نهادهای دولتی را شاهره ارتقاء و حمایت از سرمایه گذاری های بین المللی و ثبات تلقی میکنند. هرچند به نظر برخی از شرکت کنندگان، حمایت از دولت میتواند به معنای تایید رژیم های مقتدر، فاسد و غارتگر در برخی از کشورهای آسیای میانه باشد. یکی از شرکت کنندگان چنین گفت: "تصادف نیست که اکثر جوامع تکثرگرا در ضعیف ترین دولت ها وجود دارد، این نکته باید مورد توجه سیاست گذاران غربی قرار گیرد که خواهان تقویت ساختارها و ظرفیت های دولتی هستند". در حالیکه تکثرگرایی میتواند منجبت محور تعامل منطقه ای قرار گیرد، فعالیت های خارجی حضور و قدرت حکومت هایی را تقویت میکند که علاقه اندکی به همکاری با همسایه هایشان دارند.

حضور بین المللی و جریان مساعدت های بین المللی همچنین موجب رقابت در میان دولت های آسیای میانه شده و آنها را درگیر مساعدت های بین المللی و سرمایه گذاری شرکت های مشخص بین المللی کرده است. بخش عمده این مساعدت بر امنیت متمرکز است که مورد علاقه بسیاری از حکومت های منطقه است. در برخی موارد، مثل ازبکستان، حکومت برای بدست آوردن مساعدت امنیتی تصویری منفی از دیگر همسایه ها میسازد. این رقابت فرصت های همکاری را کاهش میدهد. به نظر اشتراک کنندگان وضعیت به گونه ای پیش رفته است که برخی کشورها کاملاً به مساعدت ها وابسته شده اند.

دیدگاه های ارائه شده توسط قدرت های خارجی بیانگر نظرات متفاوتی است که به شکل یک بازی جمع صفر بین این قدرت ها تبارز کرده است. برای برخی از این بازیگران، مخصوصاً ایالات متحده و روسیه استراتژی کاملاً جنبه ایدئولوژیک گرفته و شامل برنامه ها، پیمان ها و تشکیلاتی شده است که کمتر از اقتصاد منطقه ای حمایت کرده و بیشتر متوجه اولویت های ملی می باشند. این وضعیت برخی از کشورها را وادار به پذیرش رویکردهای چندمحوری ساخته که با یکدیگر در تناقض بوده و غالباً به نفع شان نیست. قرغیزستان یک مثال خوب در این مورد است، این کشور به سازمان تجارت جهانی پیوسته و قصد پیوستن به اتحادیه گمرکی تا ختم سال 2013 را دارد. هرچند، به دلیل سرعت پیوستن حکومت قرغیزستان، نرخ تعرفه های مذاکره شده نسبتاً پایین بوده و این امر موجب تضعیف صنعت محلی که قدرت رقابت با اجناس وارداتی را ندارد، شده است. تأثیرات مشابهی نیز از پیوستن به اتحادیه گمرکی انتظار میرود. پالیسی چندمحوری میتواند مشکلات سیاسی به همراه داشته باشد، همانطور که ایالات متحده به شکل علنی از اتحادیه گمرکی انتقاد کرده است.

ایجاد یک طرح تجارت منطقه ای نیازمند واقع گرایی است. در حال حاضر اکثر این کشورها مواد خام را برای پردازش به روسیه یا چین صادر میکنند. در عوض، اجناس تکمیل شده به این اقتصادها پس داده میشود. یکی از شرکت کنندگان پرسید: "85% تجارت چین به آسیای میانه شامل اجناس تکمیل شده میشود، در این وضعیت آسیای میانه چگونه میتواند از این عدم تعادل قدرتمند تجاری نجات یابد؟". با توجه به اندازه کوچک بازارهای هر دولت امید چندانی به تغییر نیست، حتی اگر بازارهای آسیای میانه یکجا شوند نمیتوانند با اندازه بازار روسیه (3.3 تریلیون دالر تولید ناخالص ملی) یا بازار چین (12.4 تریلیون دالر تولید ناخالص ملی) رقابت کنند. روشن است که بازارهای بین المللی خواستار باز ماندن منطقه برای اجناس شان می باشد.

رویکردها در سطح کلان نیز با این مانع ساده روبرو هستند که حکومت های آسیای میانه علاقه مند یکپارچگی یا همکاری نیستند. حکومت ها از منظر حفظ اقتدار و سیاست های رژیم در مورد ایجاد همبستگی درونی بسیار محتاط هستند. یکی از شرکت کنندگان نظر خود را چنین بیان کرد: "مسئله شماره یک مسئله امنیت رژیم است. هر چیز دیگری باید از منظر امنیت دیده شود. در صورتیکه نگرانی های امنیتی حکومت نادیده گرفته شود، ارائه سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) که موجب ایجاد 100000 شغل میشود، توسط ازبکستان رد خواهد شد". نگرانی های امنیتی در دشواری هایی که تجار در مرزها تجربه میکنند، منعکس میگردند. یکی از شرکت کنندگان گفت: سرعت متوسط ترانزیت اجناس در سراسر آسیای میانه فقط 25 کیلومتر در ساعت است. دلیل اصلی این سرعت پایین زیربنای ضعیف نیست بلکه تاخیر به دلیل انسداد مرزها می باشد. نگرانی های حکومت از گسترش اسلام افراطی، مواد مخدر، و دیگر عناصر بی ثبات کننده نقش مهمی در انسداد همکاری منطقه ای دارد.

فرصت ها در میان توده های مردم

تلاش های موفق مردمی از انعطاف پذیری خارج از حکومت مردم در آسیای میانه سرچشمه میگیرد، شرکت کنندگان به تمایل مردم برای یادگیری و علاقه مندی به تجارت اشاره کردند که باعث شده است کارآفرینان فساد را دور بزنند. اگر صرفا به حکومت های آسیای میانه و پایتخت هایشان بنگریم، علامتی از همکاری منطقه ای دیده نمیشود اما مثال های متعددی از یکپارچگی موفق اقتصادی در میان اجتماعات مرزنشین دیده میشود:

- یکی از شرکت کنندگان گفت که مردم در مناطق مرزی منتظر حکومت های مرکزی برای ایجاد رژیم های تجاری نمانده اند، آنها مناطق اقتصادی خودشان و روابط تجاری مستقیم خودشان را ایجاد کرده اند.
- یک شرکت کننده دیگر به مثال پامیر انرژی و چگونگی رشد آن به یک شرکت 600 نفره اشاره کرد که موفقانه شبکه برق را برای صدور برق آماده ساخته است.
- در افغانستان تجارت لباس و میوه خشک در حال رشد است، برخی از این محصولات از طریق آسیای میانه به دیگر بازارها میرود. تجارت برای دیگر کارآفرینان به خصوص زنان الهام بخش بوده است. اما ترانزیت میوه تازه به دلیل تاخیر در ترانزیت با مشکل مواجه است.

نیروی کار مهاجر منحیت یک راه حل موقت برای بسیاری از مسائلی است که دولت های آسیای میانه از نظر اقتصادی با آن مواجه است. شرکت کنندگان متذکر شدند که برخلاف سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ارسال پول تاثیر سریع تر داشته و تزریق این پول به خانواده ها کمک میکند تا مایحتاج شان را فراهم کرده و از تجارت محلی حمایت کنند. هرچند، در بلند مدت ارسال پول باید با احتیاط مد نظر قرار گیرد. برخی از اقتصادهای آسیای میانه مثل تاجیکستان در سطح وسیعی به ارسال پول وابسته شده اند. ارسال پول مانع انکشاف سرمایه انسانی، فعالیت های اقتصادی متوسط و بزرگ و زیربنای تجارتی است. تاثیرات منفی بر پیکر اجتماع و خانواده، حقوق زنان و توانایی کارگران برای معاش تقاعد به سختی قابل اندازه گیری اما به سادگی قابل مشاهده است. بنابراین، نیروی کار مهاجر صرفا منحیت یک اقدام موقت عمل کرده و تداوم آینده اقتصادی هر کشور را در برابر توسعه پایدار اقتصادی حفظ میکند.

علیرغم نرخ فزاینده مهاجرت کاری، شرکت کنندگان به شکل گیری یک طبقه کارآفرین مخصوصا فعالیت های اقتصادی کوچک در امتداد نواحی مرزی اشاره کردند. یکی از شرکت کنندگان گفت: "مالکیت یک کانتینر در یک بازار یک اعتبار تلقی میشود". کسب و کارهای کوچک در برخورد با فساد در سطوح پایین مهارت داشته و قادر به گذران زندگی خود هستند. یک رشوت کوچک قادر به بازکردن مرزهای بسته بوده بسیاری از کارآفرینان در کسب و کارهای کوچک فعالانه به دنبال روزه ها و ترتیبات برای تجارت ایمن هستند. برای بسیاری از شرکت کنندگان، فساد دولتی بزرگترین مشکل نبود بلکه عملکردهای بین المللی از جانب کشورهای همسایه و جامعه بین المللی مشکل اصلی تلقی میشود. در این مورد دو مثال مشخص ارائه شد. مثال اول سیستم حق ثبت و محصول گمرکی قرغزستان بود که بر اساس وزن اجناس

یا تعداد ماشین‌ها مالیه تعیین میکند نه سنجش ارزش جنس. این سیستم با یک ایفون مثل یک محصول زراعتی برخورد کرده و مانع انکشاف اقتصاد با ارزش افزوده میگردد. مثال دیگری که توسط یکی از شرکت کنندگان ارائه شد در مورد یک نهاد مساعدت کننده خارجی در قرغیزستان بود که برای ردیابی فروشات و مالیات، سیستم ثبت معاملات نقدی را اجرا میکرد. از آنجاییکه اجرا کنندگان قبل از اجرا جویای نظرات و حمایت محلی نشده بودند، تلاش شان منجر به شورش اجتماعی و رد شدن پلان گردید. شرکت کنندگان همه در این مورد توافق داشتند که فعالین بین المللی باید وقت کمتری را صرف مبارزه با فساد در سطوح پایین کرده و بر جلب حمایت برای اجرای برنامه های انکشافی در سطوح محلی تمرکز کنند.

فساد دولتی به کسب و کارهای کوچک که در حال رشد به فعالیت های اقتصادی متوسط و کلان هستند بیشترین ضرر را میرساند. یک از شرکت کنندگان چنین اشاره کرد، "فعالیت های اقتصادی پس از رشد با موشکافی و مداخله دولت مواجه میشوند" حتی فعالیت اقتصادی در خارج از کشور نیازمند هماهنگی با حکومت بوده و به قواعد نانوشته و مسائل سیاسی می انجامد. مشکلاتی که مالک یک فعالیت اقتصادی با آن مواجه است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است و امیدی به خاتمه فساد در کوتاه مدت نمی باشد. به نظر یکی از شرکت کنندگان، "فساد عامل بقای دولت است".

به اعتقاد بسیاری راه حل بسیاری از این مشکلات و ایجاد فرصت ها در سطح توده مردم صرف زمان و منابع بیشتر برای توسعه سرمایه انسانی است. "مقدار مساعدتی که صرف دموکراسی و جامعه مدنی میشود کم است، بخش عمده مساعدت ها صرف توسعه اقتصادی شده و منابع انسانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است". شرکت کنندگان خواستار سرمایه گذاری بیشتر در آموزش منجبت یک راهبرد انکشافی موثر و بلند مدت بودند، یک استراتژی که میتواند به شکل مناسب در سطح محلی و دولتی مورد حمایت قرار گیرد. انکشاف آموزشی میتواند بر علاوه تقویت مهارت های فنی و کارآفرینی در سطح محلی و کمک به خاتمه چرخه وابستگی به ارسال پول و کارگر مهاجر، برای تقویت جنبه های مثبت توسعه سکتور کسب و کار در هر کشور مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین حمایت در سطوح مختلف باید مورد توجه قرار گیرد. ارتقاء جنبه های مثبت انکشاف کسب و کار از طریق نخبان دولتی میتواند موجب اصلاح سیستم مالیات و کنترل مرزی گردد. آموزش کسب و کار در سطح محلی میتواند نورم های جدید برای رشد و حمایت از اعتبار طبقه کارآفرین را ارتقاء بخشد.

عبور از مرزهای روانی و فیزیکی



گذرگاه مرزی بین قزاقستان و قرغزستان در کوردوی در سال 2007.

منبع: ویکی پدیا کامونز، نویسنده و منکوو

مرزها صرفنظر از اقدامات صورت گرفته در سطوح کشوری و درون دولت ها همچنان یک مانع مهم فراروی یکپارچگی محلی می باشند، با این وجود مرزها میتوانند منجبت راه حل بسیاری از چالش ها هم عمل کنند. مرزهای فعلی به شکل مصنوعی و در دوره تاریخی اخیر طراحی شده اند، بنابراین تا زمانی که استراتژی های مناسب برای فراهم آوری تعادل واقعی امنیت و ترانزیت طرح گردند، تابع نفوذ اجناس و افراد میباشند.

برخی از چالش های مرزی طبیعت فیزیکی دارند. این گذرگاه ها گاهی به دلایل ناگهانی بسته شده، گاهی منجبت اهرم فشار سیاسی در مذاکرات دوجانبه بین دولت ها استفاده شده و گاهی نیز منجبت ابزار سیاسی داخلی برای فراهم آوری شغل و القای قدرت و امنیت دولت استفاده میشوند. یکی از شرکت کنندگان که در یک شهر مرزی زندگی میکند اشاره کرد که ساکنین محلی

میتوانند بسته شدن یک مرز را به دلیل افزایش بیش از حد قیمت ها در بازارهای محلی پیش بینی کنند. در بسیاری موارد بسته شدن مرز بدون هشدار و تشریح دلیل به جمعیت محلی صورت میگیرد و این وضعیت به شدت مانع توسعه طبقه کار آفرین می باشد.

مشکلات مرزی به مشکلات فیزیکی محدود نمی باشد و در بعضی موارد مثل افغانستان ماهیت روانی دارد. تنها مرز فیزیکی باز افغانستان در سرحد شمالی آن قرار دارد. پلی که بین افغانستان و تاجیکستان ساخته شده و ایالات متحده برای کمک به ثبات قبل از ترک سربازان در سال 2014 تجارت از طریق آن را تشویق میکند. هرچند، افغان ها از نظر روانی این مرز را بسته تلقی کرده و به جای آن بر روابط تجاری (قانونی و غیر قانونی) در امتداد خط دیورند با پاکستان و ایران متمرکز هستند. برای بسیاری از افغان ها، سرحدات فیزیکی با ایران و پاکستان وجود ندارد. در مقابل، سرحدات شمالی یادآور خاطرات بد تاریخی (تهاجم شوروی در سال 1979) و هراس از آینده (ترس آسیای میانه از بی ثباتی و افراطی گری پس از خروج امریکایی ها) می باشد. این ترس عمیقاً وجود داشته و به دلایل سیاسی توسط دولت های مرکزی در مورد آن مبالغه میشود. غلبه بر روانشناسی جدایی نقشی اساسی در بهبود تجارت و امید برای یکپارچگی منطقه ای دارد.

برخی از پیشنهادات، در راستای استراتژی ها در سطح خرد، برای بهبود مسائل مرزی در آسیای میانه:

- مورد توجه قرار دادن گذرگاه های مشخص مرزی به جای استراتژی های گسترده و جامع بهبود سرحدات
- جلب حمایت برای پلان های انکشافی در سطح محلی. برنامه ها همچنین باید به شکل مناسب برای جلب حمایت حکومت در سطوح بالا طراحی شوند تا تلاش های انکشافی به هدر نرود.
- ایجاد یک سیستم معلوماتی برای آگاه ساختن جمعیت محلی از تصمیمات اتخاذ شده توسط دولت برای بستن مرز. اجتماعات محلی غالباً از انسداد مرزها آگاه نمیشوند. برخی اوقات، مثلاً در مواردی که مرز به دلیل پیشگیری از امراض زراعتی بسته میشود، معلومات به موقع از طرف دولت میتواند برای حمایت از سرمایه گذاری تاجران بسیار مفید باشد.
- تلاش برای ایجاد قنسولگری های بیشتر در منطقه و خارج از پایتخت ها مخصوصاً در نواحی مهم حمل و نقل مرزی. این کار میتواند رابطه منظم و سریع تری بین تاجران و دولت بوجود آورده و تاخیر پرهزینه به دلیل مشکلات جزئی را کاهش دهد.
- عدم تمرکز بر اضافه کردن نگهبانان بیشتر مرزی برای فراهم آوری امنیت و تمرکز بیشتر بر مدیریت تعاملات بین نگهبانان مرزی. این برنامه میتواند به سادگی باعث کاهش بسیاری از مشکلات در گذرگاه هایی شود که باعث تاخیر در ترانزیت میشوند و همچنین روابط در سطوح پایین را ارتقاء بخشیده و به رشد اقتصادی در سطح توده مردم کمک میکند.

ضمیمه:

موفقیت های بدست آمده – چالش های بعدی

مشکلات پیش رو	موفقیت ها
بروکراسی دولتی و فساد مانع رشد کارآفرینان است.	رشد روحیه کارآفرینی و تمایل مردم آسیای میانه برای یادگیری و استقبال از نظرات جدید.
کسب و کارهای کوچک برای رشد و اجتناب از فساد دولتی نیازمند کمک می باشند.	کسب و کارهای مستقل در حال رشد بوده و در سطح محلی از فساد سطوح پایین عبور کرده اند.
نیاز به ارتباط بهتر بین مناطق محلی مرزی و پایتخت های مربوطه شان، همچنین نیاز به روابط بهتر بین پایتخت های آسیای میانه.	اجتماعات محلی با یکدیگر تعامل و همکاری دارند و این وضعیت موجب ایجاد فرصت های جدید و حل مشکلات شده است. روابط مردمی بسیار عملی و همکارانه است.
تکنالوژی هنوز پرهزینه است و دسترسی به اینترنت در برخی موارد توسط دولت های مرکزی محدود میشود.	دسترسی به اینترنت و تکنالوژی در این ساحه در حال رشد بوده و موجب دسترسی به معلومات جدید و بازارهای جدید شده است.
ترانزیت درون این منطقه هنوز به دلیل زیربنای نامناسب و نبود پروازهای مستقیم مشکل است.	امنیت شخصی در این منطقه افزایش یافته و موجب ترانزیت بیشتر توسط شهروندان در منطقه و با افغانستان شده است.
افزایش دسترسی موجب ترس از "فرار مغزها" شده و هنوز به تعدادی که بتوانند یک طبقه کارآفرین یا یک جامعه مدنی فعال را تشکیل دهند، نرسیده است.	دسترسی به آموزش غربی از طریق برنامه های تبادل، بورسیه و افتتاح شعبات دانشگاه های غربی افزایش یافته است.
مهاجرت باعث نگرانی در مورد از بین رفتن ساختار سنتی خانواده به دلیل جدایی شده است. در برخی محلات، اقتصاد بسیار وابسته به ارسال پول می باشد.	مهاجرت کارگران در این منطقه در سطح قابل توجهی وجود دارد و موجب بهبود وضعیت اجتماعی خانواده ها، توانمندی زنان و کارگران آموزش دیده در مهارت های لازم شده است.

تجارت بین کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان
مخصوصاً در نساجی و محصولات زراعتی افزایش یافته
است.

تجارت با افغانستان به دلیل هراس در دو طرف مرز با
مانع مواجه شده است مخصوصاً به دلیل ترس از انتشار
افراط گرایی.



the Hollings Center
for international dialogue

مرکز هولینگز برای گفتگوی بین المللی یک سازمان غیر انتفاعی و غیر دولتی است که به تقویت گفتگو بین ایالات متحده و کشورهای با جمعیت عمدتاً مسلمان در خاورمیانه، شمال آفریقا، جنوب آسیا، اروپا آسیا، و اروپا اختصاص دارد. مرکز هولینگز در راستای ماموریتش، کنفرانس هایی برای گفتگو برگزار میکند که عرضه کننده اندیشه جدید در مورد مسائل مهم بین المللی و تقویت شبکه های ارتباطی در میان رهبران و کارشناسان است. مرکز هولینگز در واشنگتن دی سی مستقر بوده و یک دفتر نمایندگی در استانبول ترکیه دارد. برنامه های اصلی مرکز در استانبول انجام میشود، شهری که نقش تاریخی آن به عنوان یک چهار راه، از آن مکانی مطلوب برای گفتگوهای بین المللی ساخته است.

برای اطلاعات بیشتر در مورد ماموریت، پیشینه و اعتبار مالی مرکز هولینگز:

<http://www.hollingscenter.org/about/mission-and-approach>
info@hollingscenter.org

در توئیتر ما را همراهی کنید: [@HollingsCenter](https://twitter.com/HollingsCenter)